

## مقاله پژوهشی

# بررسی شکل سنتی «واره» و تأثیر آن بر توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان رشتخوار)

خدیدجه جوانی<sup>۱</sup>، خدیجه بوزرجمهری<sup>۲\*</sup>، حمید شایان<sup>۳</sup> و مریم قاسمی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۲۳ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۹ اسفند ۱۳۹۹

### چکیده

«واره» سمن خود جوش دیرینه‌ای است که به عنوان نمود مشارکت زنان روستایی، در توانمندسازی آنان از دیرباز نقش بسزایی داشته است. هدف تحقیق حاضر، بررسی وضعیت این سمن، نقاط قوت و ضعف و تأثیر آن بر توانمندسازی زنان روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشتخوار است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند با نمونه‌ای برگزیده از سرگروه‌ها و اعضای ثابت سمن (n=۲۰) و بر مبنای نظریه بنیانی، جمع‌آوری و تدوین شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ایجاد و تداوم واره در روستاهای با معیشت غالب دامداری کوچک و سنتی نمود بیشتری دارد و به کارکردهای اجتماعی چون، برقراری عدالت و نظم و آثار اقتصادی چون؛ صرفه‌جویی در وقت، سودآوردن، حس اقتدار و استقلال مالی در بین هم‌وارگان منجر شده است. در عین حال با چالش‌هایی نیز مواجه شده است، از جمله خشکسالی‌های پی در پی و مشکلات تهیه علوفه، همچنین فناوری‌های مدرن نظیر نگهداری شیر در یخچال و توسعه ماشین‌آلات حمل شیر به کارخانه که در کم‌رنگ شدن اهمیت و کارکرد این سمن مؤثر بوده است. ماندگاری «واره» و مشارکت واقعی زنان در آن به صورت نظام‌مند می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق در سمن‌های نوپدید و رسمی به کار گرفته شود و نهادینه گردد.

**کلمات کلیدی:** سازمان مردم‌نهاد (سمن‌ها)، واره، نظریه بنیانی، توانمندی زنان روستایی، شهرستان رشتخوار.

۱- دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
۲- دانشیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
۳- استاد رشته جغرافیای انسانی گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
۴- استادیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
(\*- نویسنده مسئول: پست الکترونیکی: azar@um.ac.ir)

## مقدمه

دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها امکان پذیر نیست. امروزه اهمیت عدالت جنسیتی نه تنها به عنوان یکی از اساسی‌ترین نوع حقوق بشر، بلکه برای کاهش فقر، بالا رفتن استانداردهای زندگی، رشد مناسب و ثبات اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در دهه‌ی ۱۹۸۰، به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد (براری و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از اجتماعات انسانی که ضرورت توانمندسازی زنان در آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، جامعه روستایی است (علی شاهی و همکاران، ۱۳۸۶)، جامعه‌ای که توسعه نیافتگی در فضای آن باعث شده زنان روستایی به رغم گستردگی مشارکت در فعالیت روزانه اقتصادی - اجتماعی خانوار، همواره به عنوان اقشاری آسیب پذیر در برنامه توسعه روستایی به حساب آیند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۶). اکنون صاحب نظران معتقدند که می‌بایست با بازنگری در دیدگاه‌های برنامه‌ریزی، توجه و تأکید ویژه‌ای نسبت به این قشر مبذول شود، از این رو، بر اساس تغییر و تحول صورت گرفته در دیدگاه‌های توسعه، رهیافت‌های مشارکتی و توانمندسازی زنان روستایی مورد توجه ویژه قرار گیرد. رویکرد توانمندسازی به دنبال پاسخگویی به نیازهای استراتژیک و عملی است و توانمندسازی زنان منجر به توسعه کلی جامعه هم در سطح خرد و هم در کل خواهد شد (اریسکون و دیتومسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین زنان به طور اعم و زنان روستایی به طور اخص باید در زمینه‌های گوناگون از جمله اقتصادی و اجتماعی توانمند شوند تا بهتر بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند و بدین منظور، توانمندسازی بایستی از چهارچوب ذهنی خارج شده و به محیط حمایتی مبتنی بر حس مسئولیت تبدیل

شود، تا زنان روستایی فرصت داشته باشند به نحو مطلوب همکاری و مشارکت کنند (آل امین و چوکوهاری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸) تحقق این موارد جز از طریق گروه و تشکل و برنامه‌های توان افزایی میسر نخواهد بود. سازمان مردم‌نهاد یا به اختصار «سمن» (NGO) به شکل‌های مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره دارد (شاه بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹). این نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند (رکن - الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱). در مجموع این سازمان‌ها، اساساً با تأکید بر سه اصل داوطلبانه، غیر انتفاعی و غیر سیاسی تأسیس می‌شوند (سعیدی، ۱۳۹۱). به طور کلی سازمان‌های غیردولتی و محلی روستایی در ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ اولی در قالب تشکل‌های سنتی مانند وقف و نذر، گروه‌های همشیر یا واره، بنه و صحرا و غیره را نام برد که از بطن همکاری مردم برای رفع نیازهای اقتصادی اجتماعی و ارائه خدمات اساسی ظاهر شده‌اند و دومی فعالیت‌هایی که بر اساس تعاریف جدید از سازمان غیردولتی و به صورت سازمانی شکل می‌گیرند. سازمان‌های مردم‌نهاد، صمیمانه مردم را درگیر خود کرده و به تدریج با علاقه و قصد متقابل به این رشد پاسخ می‌دهد (هاشمیت و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶؛ اریکسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ کازی و محمودا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷).

سازمان‌های کهن که هنوز اشکالی از آن‌ها در روستاها و ایلات کشور می‌توان جست‌وجو کرد، "تعاونی‌های سنتی" نام دارد (فرهادی، ۱۳۸۹) و بسیاری از این تعاونی‌ها هنوز در میان دامداران سنتی متحرک، رایج است. یکی از معروفترین این

2- Al-Amin, M. Chowdhury

3- Hashemiet. al

4- Erickson

5- Kazi &amp; Mahmuda

1- Erickson and Ditomassi

هاست که بر گرفته از الزامات اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی است که برای حل مشکل تعداد کم دام و کمی میزان شیر برای تولید مواد لبنی، به این اقدام دست زده‌اند که هنوز هم بعضاً با برجاست و شایستگی سرمشق شدن برای برنامه‌ریزان تعاون کشور را دارد تا با آشنایی به رموز ماندگاری این کهن تشکل‌ها، جهت مرتفع نمودن مشکلات زنان روستایی اقداماتی را لحاظ نمایند. البته دسترسی هر روزه به بازار و مصارف شهری و روزانه شیر از یکسو و مهاجرت روستاییان به شهرها و پیوستن آنان به جمعیت مصرف کننده شهری و پیشرفت فنآوری ارتباطات که امکان حمل روزانه شیر را به شهر در اندک زمان میسر می‌سازد از سوی دیگر، سبب پاشیده شدن بسیاری از این تعاونی‌ها گردیده است، با وجود این، در بسیاری از روستاها و جوامع کوچک از جمله روستاهای مورد مطالعه، همچنان کارکرد خود را حفظ کرده و زنان دامدار زیادی عضویت دارند و از مزایای اجتماعی و اقتصادی آن بهره‌مند می‌گیرند. پژوهش پیش رو در پی شناسایی و چگونگی شکل‌گیری این تعاونی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های آن‌ها و نقشی که در توانمندسازی زنان روستایی دارند، انجام گرفته است.

#### مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

سازمان‌های غیردولتی تحت عنوان سازمان‌های داوطلبانه، ریشه سه هزار ساله در تاریخ بشری دارد (قشقائی، ۱۳۷۸). با این وجود، رشد گسترده آن در دهه‌های اخیر باعث شده که ساختار ناشناخته آن بیشتر هویدا شود (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۱). به عبارتی ساختار واضح و مدون این سازمان‌ها با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، شکل گرفت (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵). بدنبال توسعه و تحول جوامع و همچنین فرایند جهانی سازی در قرن بیستم، سازمان‌های مردم نهاد شدت نیز اهمیت یافتند (ونیس و سالواتور<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). از آنجایی که معاهدات بین‌المللی و

تعاونی‌ها، "واره" یا «شیروره» مخفف «شیرواره» است که نوعی سازمان غیررسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن با محور اصلی همیاری است. اگر چه محور اصلی مبادله در واره مبادله پایاپای (شیر به شیر) است؛ اما در حاشیه آن مبادلات (اقتصادی، اجتماعی و روانی دیگر نیز) اتفاق می‌افتد. که براساس تحقیقات انجام شده بالغ بر ۱۳۰ نام مختلف در کشور در ارتباط با مدیریت سنتی در تقسیم شیر گوسفند و بز وجود دارد که در هر منطقه بسته به دانش بومی محلی، نام متفاوت دارد (فرهادی، ۱۳۸۰). «شیروره» افزون بر قواعد و قوانین عملی و ضروری خود، همان گونه که انتظار می‌رود، با انبوهی از رفتارها و گفتارهای آیینی و جادویی نیز درآمیخته است. وجود دامپروری معیشتی و نیمه معیشتی و اقتصاد نیمه بسته روستا، وجود این گونه تعاونی‌ها را الزامی ساخته است، چرا که خانواده‌های روستایی اکثراً نمی‌توانند مقادیر ناچیز شیر خود را بی‌درنگ با پول و یا کالای دیگر در محل مبادله کنند و یا اینکه قادر نیستند صرفاً از آن برای تولید فرآورده‌های شیری و مایحتاج خویش بهره‌برداری نمایند. بنابراین، برای اینکه دامداری محدود آن‌ها دارای کارایی اقتصادی گردد، اقدام به «شیروره» می‌نمایند (فرهادی، ۱۳۷۹). در تحقیقی که در روستای امامزاده صالح کوتاه شهرستان اندیکا در استان خوزستان انجام گرفته نشان می‌دهد، زنان نقش اصلی در فرآوری شیر و تمامی مشتقات آن دارند که در غالب یک نهاد سنتی به نام "عیالواری" به تولید و مدیریت محصولات دامی می‌پردازند. تعاونی سنتی "شیرواره" این روستا در قدیم در زندگی عشایری رواج بیشتری داشته است به این صورت که گروه‌های ۳-۴ نفره شیر را به هم قرض می‌دادند و برای اندازه‌گیری میزان شیر از مقیاسی به اسم "نکار" استفاده می‌شد. "نکار" چوبی باریک و دراز با چندین "گره" مشخص شده روی آن که از شاخه درخت کنار درست می‌شد (دهداری و همکاران، ۱۳۹۶). چیزی که در همه این نظام‌های سنتی مشترک است، قواعد و برنامه‌های نانوشته این تشکل-

سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی بیش از حد بر منافع مؤسسات مالی بزرگ متمرکز هستند، برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر مسائل بشردوستانه و در راستای کمک به توسعه پایدار تأسیس شدند که نمونه بارز آن اجلاس اجتماعی جهان است که هر ساله در ماه ژانویه در شهر داووس<sup>۱</sup> سوئیس برگزار می‌شود و رقیب اجلاس اقتصادی جهان است (شکوری، ۱۳۹۰). سازمان‌های غیردولتی همواره به گسترش روابط تعاملی با سایر ساخت‌های مدنی جامعه از جمله سازمان‌های بومی و محلی به عنوان عاملی پایدار و سازنده توجه دارند (استریتن، پائول<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). همانگونه که الکساندر اوستلواردر (۲۰۰۳) در تحقیقی به این نتیجه رسید که عملکرد سازمان‌های محلی و غیردولتی در بخش‌های عمرانی و توسعه ای ثمربخش‌تر است، زیرا این سازمان‌ها به جای امداد از بیرون، از طریق مشارکت و ظرفیت‌های مردم محلی و دانش‌های بومی آنان می‌توانند مسائل خویش را حل نمایند. زیرا دانش بومی، تجربه‌هایی هستند که متناسب با شرایط اقلیمی منطقه، امکانات طبیعی در دسترس، باورها و اعتقادات مردم و تعصبات آن‌ها با آزمون و خطاهایی به قدمت زندگی یک قوم ثابت شده اند. چون دانش بومی برخاسته از متن جوامع بشری در طول دوران و سده‌های طولانی است که به شکل شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حاصل تجاربی است که در بستر طبیعی پدید آمده و ریشه در باورهای مردم دارد (زمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از شاخه‌های گسترده دانش بومی در زمینه‌های مختلف، دانش بومی بهره‌برداری از مرتع و نحوه فرآوری و سودآوری آن‌ها از طبیعت است. دامداری، به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد اغلب روستاهای کشور در کنار کشاورزی انجام می‌شود و نقش عمده‌ای در اقتصاد عشایری دارد و پس از

کشاورزی بیشترین حجم و انواع مشارکت و یاریگری در پیرامون آن شکل گرفته است (فرهادی، ۱۳۹۰). از جمله این یاریگری‌ها، «واره» است با اسامی مختلفی همچون، شیرواره، همشیر، همدو، همدوش، شیر آیشی و غیره. «واره» یک سازمان سنتی و بومی، غیررسمی، کهن و گسترش یافته در اغلب مناطق ایران با کارکردهای مرکب که از تلاش برخی گونه‌های تعاونی بسیار کهن و ماقبل تاریخی، زاده شده و به‌خاطر اقتصادی کردن دامداری معیشتی در زمینه تولید فرآورده‌های شیری (رساندن میزان شیر و سازمان دهی روند استفاده بهینه از شیر و نیروی کار و صرفه‌جویی در این دو عامل) و به‌خاطر ماهیت شیر (فساد پذیری سریع آن) و برآوردن برخی نیازهای اجتماعی-روانی هم‌وارگان، تا به امروز تداوم یافته است (فرهادی، ۱۳۸۲). عباسی (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛ برنامه‌ریزی سیستمی، مسایل توسعه و دانش بومی یاریگری» به اهمیت این موضوع پرداخته است. فرهادی (۱۳۸۷) در پژوهشی به «بررسی گونه-شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران» پرداخته و نتایج نشان داده که تعاونی‌های سنتی همان خودیاری، همیاری و دگریاری تشدید یافته است که به سه نوع قابل طبقه‌بندی است: تعاونی سنتی با محور اصلی خودیاری مانند "بنه"، تعاونی سنتی با محور اصلی همیاری مانند "واره" و "یا" شیرواره" و تعاونی سنتی با محور اصلی دگریاری مانند "سازمان‌های وقفی". علی-بابایی عمران و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی (مطالعه موردی: روستای کدیر، استان مازندران) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که: گله داران در روستای مورد مطالعه، برای مدیریت دام و فرآوری شیر، سازمان اجتماعی "عیارزنی" را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند. این سازمان نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران محسوب می‌شود. راسخی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی بوم-

1- Davos  
2- Streeten, Paul

طور کلی و توانمندسازی زنان به طور خاص مقوله ایستا و مقطعی نیست بلکه فرآیندی پویاست که در طول زمان طی مراحل و شرایطی به وجود می‌آید (کاذی و محمودا، ۲۰۱۷) مفهوم کلی توانمندسازی زنان به معنای مقابله با وضعیت بی- قدرتی زنان است. این مفهوم به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود (کابر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). این فرآیند سطوح فردی، سازمانی و محلی را شامل می‌گردد و در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به وجود می‌آید (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶)، ضمن اینکه توانمندسازی زنان از خود زنان و صرف کردن فعل توانستن آغاز می‌شود و وابسته به شرایط زمینه‌ای و ساختاری جهت تسهیل این فرآیند است (لی گان و هو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱) یکی از شرایط و زمینه‌ها، شرایط نهادسازی و سازمان‌های مردم نهاد است که تسهیل‌کننده و ایجاد کننده شرایط مشارکت واقعی زنان می‌شود. این گروه‌ها موجب رفع نیازهای زنان و ایجاد شرایط مشارکت بیشتر زنان در امور جامعه و مسائل مربوط به خود می‌شوند، به خصوص زنان در حاشیه روستایی. همانگونه که سازمان سنتی غیررسمی «واره» به عنوان یک تعاونی کهن روستایی سال‌ها موجبات مشارکت و به دنبال آن توانمندی اقتصادی اجتماعی زنان روستایی را فراهم نموده است، که امروزه دولت‌ها به نقش پررنگ سازمان‌های مردم نهاد به عنوان بازوی اجرایی و رابط بین مردم و دولت پی- برده و سعی در تقویت و ترغیب مردم جهت راه‌اندازی آن‌ها را دارند.

یاسوری (۱۳۹۰) در تحقیق خود به رابطه توانمندی زنان و عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته و به این نتایج نایل آمده است که؛ پی‌گیری برنامه‌های آموزشی، منجر به ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌هایی در بین زنان گردیده است. یکی از شرایط و زمینه‌ها، شرایط نهادسازی و سازمان‌های مردم نهاد

شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در مرتع (مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب، خرم‌بید، استان فارس) پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که این تشکل‌ها برخاسته از دانش بومی منطقه است و نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران به شمار می‌رود و نقش مهمی در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و پایداری مؤلفه‌های اقتصادی ساکنان منطقه ایفا می‌نماید. رحمانی‌آزاد و قربانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی سنت‌های محلی و همیاری در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی چراکننده از مراتع-نمونه‌ای از دانش بومی در روستای لزور پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که "شیر رفیق" یک نوع نهاد اجتماعی برای تقسیم شیر دام‌ها در بین افراد این نهاد است که در بین گله‌داران پیوندهای اجتماعی و بازدهی تولید فرآوری شیری را هم از لحاظ خودمصرفی و هم از لحاظ بازاری تقویت می‌نماید. ریاض<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه موردی از فرآوری شیر: "تعاونی Idara-e- Kissan" به این نتیجه رسید که موفقیت تعاونی‌ها در مناطقی که منافع از ورودی‌ها و خدمات ارائه شده مانند بهبود نژاد دام و افزایش بهره‌وری علوفه عمومی‌تر بود، نسبتاً کم بوده است. راتینگر و بوسکوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، در پژوهشی تحت عنوان «استراتژی‌ها و اثرات سازمان‌های تولیدکننده شیر در جمهوری چک» به این نتیجه رسیدند که، شش استراتژی تعاونی سنتی بازاریابی شیر در چک (تأمین امنیت فروش، قیمت عادلانه و نظم و انضباط) پرداخته شده است. با این حال اولویت و استراتژی اصلی آن‌ها توجه به محیط زیست و بازار می‌باشد.

در دهه‌های اخیر توجه وافر محققان و نظریه‌پردازان به زنان و مشارکت آنان در مباحث توسعه در دنیا مطرح و در این خصوص کنفرانس‌های متعددی برگزار شده است. از جمله نظریه‌های مطرح، نظریه توانمندسازی است. توانمندسازی به

3- Kabeer  
4- Li, Gan, and Hu

1- Riaz  
2- Ratering & Boskova

حفاظت از محیط زیست به نتایج ارزنده و کارساز سمن ها در توانمندسازی زنان جهت حفظ محیط زیست نایل آمدند. همانگونه که سازمان سنتی غیررسمی «واره» به عنوان یک تعاونی کهن روستایی سالها موجبات مشارکت و به دنبال آن توانمندی اقتصادی اجتماعی زنان روستایی را فراهم نموده است، امروزه دولت‌ها به نقش پررنگ سازمان های مردم نهاد به عنوان بازوی اجرایی و رابط بین مردم و دولت پی برده و سعی در تقویت و ترغیب مردم جهت راه اندازی آن ها را دارند. بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله نقش دانش بومی و سنت های محلی زنان در تولید و مدیریت فرآورده های دامی روستای ابونصر از شهرستان بوانات، دریافتند که دانش بومی غنی در بین زنان روستایی منطقه وجود دارد که ناشی از وجود نظام سنتی شیردوشی «دون» و مکانیسم مدیریت شیر و فرآورده های لبنی است. نظام دون نیز مانند «واره» یک نهاد اجتماعی سنتی برای اعضای است که به صورت مشارکتی در تولید فرآورده های دامی فعالیت می کنند. این نظام علاوه بر تحکیم پیوند اجتماعی قوی بین زنان دامدار دون، در افزایش کیفی و کمی تولیدات دامی نیز تأثیرگذار است. دهداری و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی دانش بومی زنان روستایی در تولید و مدیریت محصولات دامی - روستای امامزاده صالح کوتاه در شهرستان اندیکا، دریافتند که مردم روستا نسبت به شیوه فرآوری و سودآوری محصولات دامی آگاهی داشته و آن را از گذشتگان خود به ارث برده اند. هدف آن ها به خصوص از آنجایی که این وظیفه در یک نهاد "عیالواری" بر عهده زنان روستا است، کمک به اقتصاد خانواده است و از گذشته این نقش را ایفا می کرده است.

مطالعات انجام شده در نقاط مختلف جهان و ایران نشان می دهد که این تشکلهای به شکل سنتی از تاریخچه طولانی و عجین شده با زنان برخوردارند. همانند تشکل سنتی «واره» که با مشارکت زنان در روستاهای مورد مطالعه از دیرباز پابرجا و ثابت مانده و اثرات اجتماعی، اقتصادی مؤثری بر توانمندی زنان

است که تسهیل کننده و ایجاد کننده شرایط مشارکت واقعی زنان می شود. این گروهها موجب رفع نیازهای زنان و ایجاد شرایط مشارکت بیشتر زنان در امور جامعه و مسائل مربوط به خود می شوند، به خصوص زنان در حاشیه روستایی. ایسلام و سلطانا<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در تحقیقی به تأثیر برنامه های سازمان های غیردولتی بر زنان روستایی پرداخته اند و نتایج نشان داده که این برنامه ها موجب شده زنان به حقوق انسانی خود پی ببرند و سعی کنند زندگی و شرایط شان را تغییر دهند. هندی و کاسام<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی که در رابطه با سازمان های غیردولتی روستایی در توانمندسازی زنان روستایی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که برنامه های سازمان های مردم نهاد منجر به افزایش کارایی زنان می شود. مطالعه آن ها در مصاحبه با ۷۲ زن در هند نشان داد که شرکت و آموزش در برنامه های سازمان های مردم نهاد موجب تغییرات و ارتقاء «خود توانمندسازی»، «خودکارایی» و «خود بهینه سازی زنان» می شود. مارا و لیتل<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در تحقیقی به بررسی دو سازمان مردم نهاد جهت توانمندی زنان روستایی شمال تانزانیا پرداخته اند و به این نتایج رسیدند که آژانس های شخصی در خانواده ها و مشارکت سیاسی در سطح جامعه در ارتباط با نوآوری سازمان های مردم نهاد است. کازی محمد و محمود<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) نیز تحقیقی در منطقه رانپور با روش کمی کیفی انجام دادند، نتایج این مطالعه نشان داد که سازمان غیردولتی (NGO) این منطقه برای توانمندسازی زنان روستایی از طریق برنامه های اعتبارات خرد و آموزش، تلاش می کند. آن ها معتقدند سازمان های مردم نهاد مانند یک کاتالیزور برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان عمل می کنند. بوزرجمهری و جوانی (۲۰۱۹) نیز در پژوهشی در رابطه نقش سازمان های مردم نهاد در توانمندسازی زنان روستایی جهت

1- Islam &amp; Sultana

2- Handy &amp; Kassam

3- Mara &amp; Little

4- Kazi, Muhammad &amp; Mahmuda

اشباع نظری<sup>۴</sup> یا آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس<sup>۵</sup> ادامه یافت و بر این اساس، ۲۰ نمونه مورد مصاحبه (n=۲۰) قرار گرفت.

برای رسیدن به روایی و پایایی لازم، علاوه بر گزینش گیری هدفمند نمونه‌ها، برای مصاحبه‌گری توأم با تدوین و روش‌مند نمودن مراحل مختلف کار پس از تدوین چارچوب کلی مصاحبه، و گزینش نمونه‌ها، ابتدا غایت پژوهش با آن‌ها در میان گذاشته شد و سؤال‌ها یا محورهای مورد نظر برای مصاحبه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در طی مصاحبه نیز تلاش گردید تا با طرح مفاهیم و مضامین و مصادیق مرتبط با پرسش‌های محوری به مثابه نقاط عطف گفتگو<sup>۶</sup>، زمینه برای هدایت جریان گفت‌وگو به مسیر مورد نظر فراهم شود تا از ورود پاسخ‌ها به حوزه فنی و تخصصی و مسایل روزمره و اطلاعات سطحی مصاحبه‌شوندگان پرهیز شده و با هدایت روند اندیشه‌ورزی، ژرفبخشی و جمع‌بندی دیدگاه‌های آن‌ها، به شکل‌گیری یک درک مشترک کلیت مدار<sup>۷</sup> حول محورهای مورد بحث کمک شود. از دیگر تدابیر می‌توان به شفاف و صریح نمودن<sup>۸</sup> پرسش‌های مطرح شده، انجام مصاحبه در شرایط مورد نظر پاسخگویان، بازنگری اولیه و باز تکرار مصاحبه در موارد معین، تنوع بخشی به پرسش‌های مطرح شده (از طریق شکستن پرسش‌های محوری) و نحوه طرح آن‌ها، تنوع در روش‌های پیشبرد مصاحبه و نمونه‌های برگزیده (چند جانبه‌گرایی<sup>۹</sup>)، اطمینان بخشی به مصاحبه‌شوندگان درباره محرمانه ماندن و امانت در قبال اطلاعات ارایه شده، مشارکت‌دهی آن‌ها در جمع‌بندی دیدگاه‌های ارایه شده جهت نزدیک نمودن برداشت‌های متقابل و واگویه‌سازی مضمون مدار<sup>۱۰</sup> برگرفته‌های مصاحبه و طبقه‌بندی مفهومی آن‌ها در پیوند با یافته‌های مصاحبه اشاره نمود.

داشته است، اما تشکیل و عملکرد این سازمان‌ها به صورت رسمی و مدون در مناطق مختلف، متفاوت بوده و با وجود رشد کمی به لحاظ کیفی متفاوتند، به طوری که در کشورهای توسعه‌یافته در حکم بازوی اجرایی دولت در تمام زندگی مدنی این جوامع نقش سازنده و مثبتی داشته‌اند و در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران با وجود اینکه نقش مثبت در زمینه‌ی توانمندسازی زنان روستایی داشته‌اند ولی غالباً از زمان تأسیس دارای مشکلات و نواقصی بوده‌اند، به طوری که اغلب این سازمان‌های رسمی هنوز به رشد و بالندگی نرسیده، منحل شده یا نقش و حضورشان کمرنگ شده‌است. از این رو، این پژوهش سعی دارد وضعیت سمن سنتی «واره» و تأثیر آن بر توانمندی زنان را شناسایی کرده و عملکرد و نقش آن‌ها را در توان‌افزایی زنان روستایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

## مواد و روش‌ها

این پژوهش از منظر پارادایم تحقیق جزو تحقیقات کیفی محسوب می‌شود و با هدف اکتشافی شناسایی آثار و پیامدهای تشکل‌های مردم نهاد در روستاهای منطقه به انجام رسیده است. در این پژوهش، از روش نظریه بنیانی و شیوه مصاحبه کیفی و نیمه ساختارمند<sup>۱</sup> برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. مشارکت کنندگان در پژوهش را اعضای ثابت تعاونی «واره» در ۱۰ روستای بخش مرکزی شهرستان رشتخوار تشکیل داده است. در انجام مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند ترکیبی موارد نوعی و بارز<sup>۲</sup> (مصاحبه با افراد با تجربه، شناخته شده و با توانش و آمادگی ارایه اطلاعات مورد نیاز) و گلوله‌برفی<sup>۳</sup> (مصاحبه با افراد معرفی شده از سوی سایر نمونه‌ها)، بهره گرفته شده است. اندازه نمونه و فرآیند گردآوری اطلاعات تا سطح

4- Theoretical saturation

5- usefulness threshold of available information

6- Turning points of dialogue

7- comprehensive common understanding

8- Crystallization

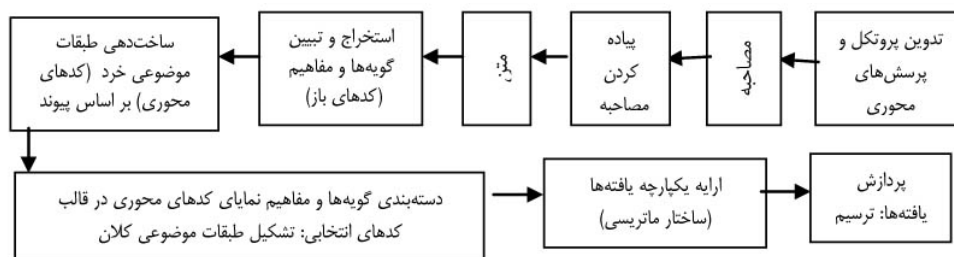
9- Triangulation

10 -Thematic-based

1- Semi-structured deep interview

2- Typical cases

3- Snow balling



شکل ۱. سیر روش‌شناختی تحلیل اطلاعات و داده‌ها

زنان دامدار وجود دارد. این سنت راه‌حلی اجتماعی و فرهنگی برای استفاده مشارکتی از شیر تولیدی است که قدمت زیادی دارد. طرز کار «شیر ایشی» در روستاهای بخش مرکزی این شهرستان به این ترتیب است که در طول زمان شیر دهی دام در فصل بهار، تعدادی از زنان دامدار، شیر دام‌های اندک خود را به نوبت به یکی از اعضاء تعاونی می‌دهند و این چرخه به تعداد افراد عضو انجام می‌گیرد. مثلاً اگر تعداد اعضاء ۱۵ نفر باشد، هر ۱۵ روز به هر نفر کل شیر دام‌های دوشیده شده می‌رسد. با این شیوه دامداران خرد می‌توانند محصولات لبنی مورد نیازهای خود تهیه و یا به فروش برسانند.

در این منطقه دو نوع واره یا شیر ایشی وجود دارد، در نوع اول، دام‌ها توسط خود دامدار چرانیده شده و یا در طولیه تعلیف می‌شود و نوع دوم "مله" است که در آن دام‌های چند خانوار توسط چوپان به چرا برده می‌شود و در مکانی خاص و صبح زود توسط زنان شیر دوشی انجام گرفته ولی شیرایشی و بهره‌برداری اشتراکی در هر دونوع یکسان است. شمار اعضای واره که "همشیر" یا "همواره" می‌گویند، با افزایش میزان شیر، کاهش و بالعکس با کاهش شیر، افزایش می‌یابد. اما افزایش شمار هموارگان، حدی دارد که به توان کاری هر خانواده و میزان کمک دیگر اعضا به صاحب واره، در تبدیل کردن شیر جمع آوری شده به فرآورده‌های شیری بستگی دارد. در روستاهایی که

در جریان کدگذاری در این تحقیق، برخی از کدها یا بواقع مضامین و مفاهیم بطور مستقیم از متن مصاحبه‌ها و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان برگرفته شده است (کدهای روزیابنده<sup>۱</sup>) و برخی دیگر به صورت محقق ساخته با عنایت به مفاهیم و مضامین برگرفته شده از مرور مبانی نظری و ادبیات رایج حوزه سازمان‌های مردم نهاد و شواهد تجربی بدست آمده است (کدهای پیش ساخته یا کدهای محقق ساخته) در جریان کدگذاری در این تحقیق، کدهای باز (کد ۲۰) از طریق تحلیل محتوای کیفی به طور مستقیم از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان برگرفته شد، در مرحله بعد طی کدگذاری محوری به گزینش مضامین و مفاهیم محوری و نمایا از بین کدهای باز اقدام گردید که حدود (۴) کد محوری جهت دسته‌بندی انتخاب شد. سرانجام با مرور و دسته‌بندی مفهومی کدهای محوری، (۲) کد طبقات مفهومی کلان و کدهای انتخابی شکل گرفت. در ادامه به شرح و توضیح اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات حاصل از روش فوق پرداخته شده است.

## نتایج و بحث

در روستاهای شهرستان رشتخوار همانند بسیاری از نقاط کشور، سنت یاری‌گری به نام «شیرایشی»<sup>۲</sup> در زبان محلی بین

1- Emerging Codes

۲- شیر ایشی یا واره که در گویش‌های مختلف متفاوت به کار رفته است، به معنای قرض گرفتن یا دادن شیر و دوباره پس گرفتن آن توسط اعضای گروه

۳- Maleh به معنای متحد، منسجم و یکپارچه است



الیشی توسط زنان در فصل بهار انجام می‌گیرد. به جز روستای کریم‌آباد که دارای ۵ مله و گله هست، در سایر روستاها، ۲ تا ۳ گله دارند و هر گله به طور میانگین ۵ گروه شیری حدود تا ۱۰ عضوی را شامل می‌شود و به طور میانگین، هر گله با حدود ۲۰۰ راس گوسفند نژاد بومی در حدود ۵۰ کیلوگرم شیر جمع‌آوری و یک کاسه می‌شود (هر رأس حدود ۳۵۰ گرم شیر روزانه دارد).

تولید عمده آنان کشاورزی، باغداری و قالی بافی و غیره است، تعداد دام‌ها کمتر و شماره هموارگان بیشتر است و برعکس روستاهایی که تولید عمده آن‌ها دامداری و تعداد دام‌هایشان بیشتر است، به همان نسبت، شمار هموارگان کمتر است (فرهادی، ۱۳۸۰). به عبارتی دامداران بزرگ نیازی به ایجاد تشکل واره ندارند و این شیوه در بین دامداران کوچک رایج است. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، روستای کریم‌آباد با ۲۰۰۰ راس گوسفند بیشترین تعداد دام شیری را دارد که شیر

جدول ۱. تعداد واره‌ها، میانگین اعضا و تعداد دام‌های شیری روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	خانوار	تعداد راس دام سبک (گوسفند و بره، بز)	تعداد گوسفند (شیری) راس	تعداد گله (مله)	تعداد واره (گروه شیری) الیشی	میانگین اعضا هر گروه
آهنگران	۸۴	۳۰۰۰	۳۰۰	۲	۶	۷
جنت آباد	۷۱۲	۶۲۰۰	۶۰۰	۳	۱۲	۷
شعبه	۱۵۹	۳۵۰۰	۳۸۰	۲	۱۰	۶
باسفر	۱۱۳۱	۸۲۵۰	۱۰۰۰	۳	۱۵	۷
ملک آباد	۴۵۸	۱۸۵۰	۳۰۰	۱	۸	۶
کت	۳۱۵	۱۵۰۰	۳۰۰	۲	۸	۷
سنگان بالاخواف	۶۷۳	۲۵۴۰	۸۰۰	۲	۶	۷
کریم آباد	۱۳۲	۳۰۰۰	۲۰۰۰	۵	۱۰	۸
مهدی آباد	۴۵۸	۵۰۰۰	۱۵۰۰	۳	۶	۶
فتح آباد	۸۹۳	۷۰۰۰	۱۲۰۰	۲	۵	۷
جمع	۵۰۱۵	۴۱۸۴۰	۸۳۸۰	۲۵	۸۶	-

مأخذ: سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، اداره آمار و اطلاعات کشاورزی (سال زراعی ۹۵-۱۳۹۴) و یافته‌های تحقیق ۱۳۹۸

#### کارکردهای واره

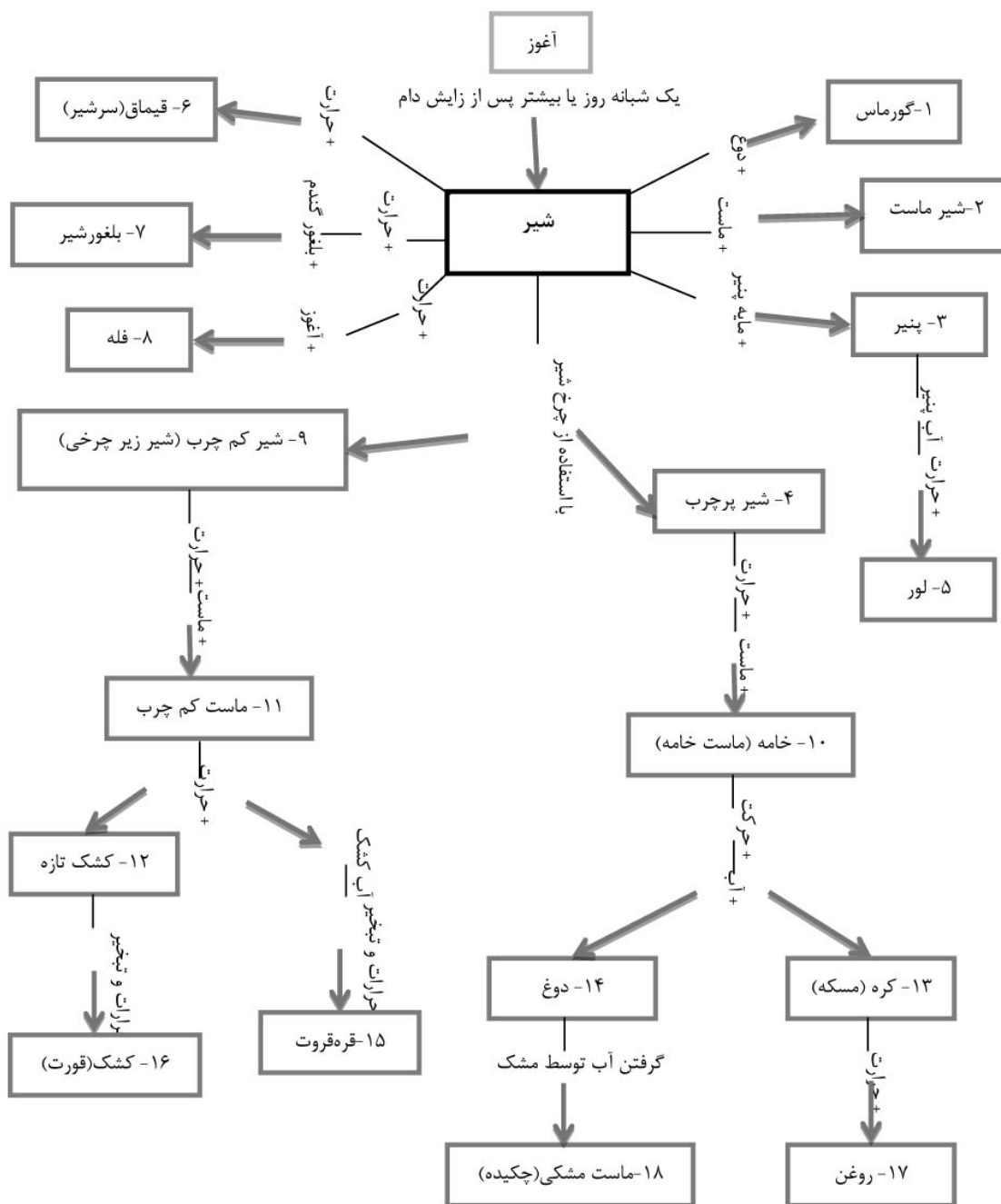
۹۰ روز شیر واره، درصد قابل توجهی از تولیدات به فروش می‌رسد و عواید آن به خصوص کشک و قره قروت به زنان روستایی تعلق دارد، که نوعی اختیار اقتصادی و اقتدار مدیریتی را برای آنان به ارمغان آورده است.

علاوه بر اهمیت جنبه اقتصادی واره، مزیت‌های فرهنگی و هماهنگی اجتماعی، مراسم افتتاح واره، مقررات و قواعد گردش شیر، معیارها و روش‌های اندازه‌گیری شیر، ملاحظات جدی در انتخاب هموارگان نیز قابل تأمل است. به عنوان مثال پذیرش اعضا در واره، اعتماد به نفس و امنیت روانی را به دنبال دارد، زیرا در برخی روستاها به دلایل عدم کیفیت شیر و بی‌اعتمادی

واره دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است. همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، ۱۸ نوع محصول از فرآوری شیر گوسفندان در روستاهای منطقه بدست می‌آید که به مصرف شخصی یا فروش می‌رسد و هر چه تعداد دام هموارگان بیشتر شود، تولید فرآورده مازاد بیشتر به فروش می‌رسد. با ارزش ترین محصول تولیدی کره و روغن و در رتبه بعدی کشک است. فرآوری شیر به مواد لبنی و قابل نگهداری و فروش، از دلایل تداوم و توجیه اقتصادی واره است. بهره‌بردارانی که بیشتر از ۲۰ رأس دام شیری دارند، در طول

مبادله اطلاعات و اخبار محلی، مانند مرگ و میر، حوادث و تصادفات، خواستگاری، ازدواج و طلاق، زد و خورد های محلی و غیره است.

به پیشینه نامناسب عضو در زمینه کیفیت شیر، برخی از زنان را در هیچ گروهی نمی پذیرند که بار منفی اقتصادی و روانی زیادی را به دنبال دارد. از دیگر مزیت های عضویت در واره،



شکل ۱. فن آوری و فرآوری مواد لبنی توسط زنان در روستاهای مورد مطالعه (مأخذ: یافته های تحقیق ۱۳۹۹)

جدول ۲. برخی از مهم‌ترین محصولات فرآوری شده و ارزش اقتصادی محصولات

ردیف	نام محصول	قیمت (تومان/کیلو)
۱	شیر	۲۵۰۰۰
۲	شیر کم‌چرب	۶۰۰۰
۳	کره	۳۰۰۰۰۰
۴	پنیر	۱۰۰۰۰۰
۵	ماست کم‌چرب	۳۰۰۰۰
۶	قره‌قروت	۴۰۰۰۰
۷	کشک	۱۰۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۹



تصاویر ۱ و ۲. حضور اعضا جهت جمع‌آوری شیر در واره روستای ملک‌آباد، ۱۳۹۸

استواری آن دانست. فرهنگی که سینه به سینه انتقال یافته و خیر و برکت را برای هم‌گروهی خود خواسته است (۹۵ درصد) و شروع فعالیت هم‌شیری را با تبریک و شادباش آغازگر شده (۸۵ درصد)؛ اما شرط کافی برای پایداری تشکل

اقتصادی، رعایت دقیق انصاف و عدالت بوده است. این واقعیت را از دقت مفرط اعضای واره در پیمان‌کردن شیر می‌توان استنباط کرد (۸۰ درصد). در این خصوص، شگردهای خاص زنان برای جبران کردن و یکسان کردن شیرها (در پایان کار واره، نه کسی بدهکار و نه بستانکار است) می‌توان فهمید. با توجه به پیچیدگی نظام نوبتی و گردش شیر در واره‌ها، به‌راستی که در مقایسه با تشکلات غیررسمی و (حتی رسمی) امروز جامعه، این درجه از انضباط بی‌مانند و ستودنی است. ملاحظات اخلاقی و اجتماعی از جمله رعایت انصاف و عدالت اجتماعی، نه

علاوه بر این، تشکیل واره و گروه هم‌شیری دارای اثرات مثبت روانی برای زنان روستایی است. و مکانی جهت تخلیه تنش‌های روانی و درد دل کردن و مشاوره گرفتن از گیس سفیدان باتجربه است.

#### عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در ماندگاری واره

با توجه به نتایج جدول ۳ مشاهده می‌شود، اولین عامل ماندگاری و پایداری این تشکل، صرفه‌جویی در وقت و سودآور بودن است که به ترتیب ۹۰ درصد و ۱۰۰ درصد اعضا به آن اشاره کردند و این شرایط، حس اقتدار (۷۰ درصد) و استقلال مالی (۷۵ درصد) را برای آنان به ارمغان آورده است؛ اما بدون شک، با مطالعهٔ تداوم و استواری واره از قدیم تاکنون، علاوه بر بعد اقتصادی، باید «فرهنگ» را نیز شرط لازم برای قوام و

منظم این تشکل اقتصادی، در شیوه گزینش هم‌وارگان نیز کاملاً مشهود است. شکی نیست که ملاحظات اقتصادی همچون مرغوبیت و مقدار شیر، از معیارهای مهم گزینش هم‌واره‌ها بوده است؛ مسلماً در این نظام اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، «اخلاق» نقش بسیار بالایی داشته است و بنابراین جایی برای رفتارهای غیر اخلاقی مانند دو به هم زنی، بی انضباطی و شورچشمی نیست.

تنها در پیمایش و حسابرسی دقیق بدهی‌ها؛ بلکه در رعایت حال طبقات کم‌بضاعت جامعه نیز کاملاً آشکار است. نظام واره طوری سازمان یافته است که هر زنی با هر میزان شیر بتواند به عضویت این تشکل درآید (۹۰ درصد پاسخگویان) و در نتیجه قادر به تولید فرآورده‌های شیری (حداقل برای مصرف خانوارش) شود. در نظر گرفتن کلیه عوامل و انگیزه‌ها در عمل کردن پایدار و

جدول ۳. ساختار ماتریسی عوامل مؤثر در پایداری و ماندگاری واره

ردیف	کدهای باز	فراوانی	درصد	کدهای محوری	کدهای انتخابی/گزاره‌ها
۱	صرفه‌جویی در وقت زنان روستایی	۱۸	۹۰		
۲	به‌صرفه‌شدن میزان شیر جهت تولید فرآورده‌های لبنی	۲۰	۱۰۰		
۳	تقویت حس اقتدار زنان و مدیریت در تولید زنان	۱۴	۷۰	اقتصادی	
۴	استقلال مالی زنان در مواردی	۱۵	۷۵		
۵	مراسم افتتاح و شروع به همکاری در آغاز فصل شیردوشی	۱۷	۸۵		
۶	مراسم جمع‌آوری شیر و نذری‌دادن همه اهالی به‌منظور زیاد شدن برکت	۲۰	۱۰۰		عوامل مؤثر در ماندگاری واره
۷	دعا برای برکت و رونق کار در بین هم‌وارگان در اولین روز گرفتن شیر	۱۹	۹۵		
۸	اعتماد کامل تمام اعضای گروه	۱۲	۶۰		
۹	وضوح در کارکرد واره	۱۳	۶۵	اجتماعی	
۱۰	عدالت در تقسیم و نحوه اندازه‌گیری شیر	۱۶	۸۰		
۱۱	تداوم و ماندگاری واره به‌مدت طولانی	۱۲	۶۰		
۱۲	تداوم روحیه همیاری و مشارکت در بین زنان روستایی	۱۴	۷۰		
۱۳	عدم محدودیت عضویت زنان به دلیل مقدار شیر	۱۸	۹۰		

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

### بررسی چالش‌ها و مشکلات سازمان سنتی واره

طبق جدول ۴ مشکلات و چالش‌های سمن واره در دو طبقه موضوعی کلان طبیعی و انسانی تقسیم‌بندی می‌شود. عوامل طبیعی که انسان در آن دخیل نبوده و جهت جلوگیری از رخداد آن واقعه، انسان تسلیم است، از جمله خشکسالی‌های پی‌درپی که از عمده‌ترین مشکلات است و سال‌هاست روستاییان و گله‌داران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و باعث کم‌شدن تعداد دام و کوچک‌شدن گله‌ها و مله‌های روستایی شده و متعاقب آن واره‌ها را نیز از رونق انداخته است. به طوری که ۱۰۰ درصد

پاسخگویان معتقدند که در سال‌های اخیر از تعداد دام و اعضای زنان شریک در شیرالیشی کاسته شده و همچنین میزان شیر یک کاسه شده در واره نیز بسیار کمتر شده و بیشتر جنبه معیشتی و خود مصرفی دارد تا فروش و کسب نقدینگی. خشکسالی‌ها مرغوبیت مراتع را تحت تأثیر قرار داده است (۶۵ درصد پاسخگویان) و تأمین علوفه احشام و اقتصاد گله‌داران را با مشکل روبه‌رو ساخته است؛ گران شدن علوفه و خوراک دام در فصول سرد از جمله دیگر مشکلاتی است که طبق گفته ۹۰ درصد پاسخگویان، پرورش دام توجیه اقتصادی نداشته و تعلیف

کرده‌اند. سومین عامل کم رنگ شدن واره، تمایل کمتر زنان و دختران جوان به عضویت در واره و فعالیت های دامداری است و با بالا رفتن سوادشان توقع آنان از نوع کار و درآمدزایی تغییر کرده است.

دستی و خرید خوراک دام بسیار گران و مقرون به صرفه نیست. از دیگر عوامل کم رنگ شدن واره در روستاهای مورد مطالعه، توسعه ابزار و ماشین آلات و جمع‌آوری شیر و انتقال آن به کارخانه‌های فرآورده‌های شیر عنوان شده که طبعاً روستاییان به پرورش دام سنگین و گاوهای با نژاد شیرده تمایل بیشتری پیدا

جدول ۴. ساختار ماتریسی یکپارچه تحلیل داده‌ها و مشکلات سازمان

ردیف	کد	فراوانی درصد	طبقه موضوعی خرد (کدهای محوری)	طبقه موضوعی کلان (کدهای انتخابی/گزاره‌ها)
۱	خشکسالی‌های پی‌درپی	۲۰	۱۰۰	
۲	کم‌شدن مرتع به دلیل خشکسالی	۱۳	۶۵	
۳	کمبود مرتع و گرانی علوفه و خوراک دستی دام	۱۸	۹۰	طبیعی
۴	نگهداری چند روزه شیر در یخچال و جمع‌آوری انفرادی	۷	۳۵	
۵	ماشین و تکنولوژی جمع‌آوری شیر و انتقال به کارخانه و تمایل به پرورش دام سنگین با شیر زیاد	۸	۴۰	مشکلات تشکل‌های سنتی (واره)
۶	مهاجرت دختران و جوانان به شهرها	۱۴	۷۰	انسانی
۷	افزایش سواد زنان و تمایل کمتر به شرکت در واره	۷	۳۰	

مأخذ: تحقیقات میدانی، ۱۳۹۸

نقاط قوت و مشکلات واره پرداخته شد. همان‌طور که در جدول ۲ و ۳ آمد، این مدل برگرفته از دو طبقه موضوعی خرد که مشتمل بر ۲ کد یا مفهوم در زمینه مشکلات و ۲ طبقه موضوعی خرد مشتمل بر ۱۵ کد یا مفهوم در زمینه نقاط قوت است که براساس پیوند طبقات موضوعی خرد، نمودار ۲ ترسیم شد و مشاهده می‌شود، سازمان کهن واره در مناطق روستایی از همگرایی و هم‌افزایی بعدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در یک بستر زمانی طولانی معین با اهدافی و شرایط مشخص به وجود می‌آید. این تعاونی کهن همانند سیستمی منظم است که مفاهیم محوری آن با روابط متقابل و نزدیک به هم این تعاونی را سال‌ها در میان زنان روستایی پابرجا نگه داشته است. رویکرد سیستمی در این تعاونی عامل قوت و نگهداشت واره بوده و خواهد بود. همان‌طور که ذکر شد، اگر تنها عامل اقتصادی می‌بود و در کنار آن عدالت، فرهنگ برکت و نظم حکم‌فرما وجود نمی‌داشت،

بخش دیگر مشکلات و چالش‌های پیش روی واره، سرمنشأ انسانی دارد که طبق توسعه تکنولوژی و تغییر رویکرد جوانان ایجاد شده است؛ به‌عنوان نمونه همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود. ایجاد تکنولوژی یخچال باعث شده برخی خانواده‌ها شیر دام خود را در یخچال به مدت چند روز نگه داشته و سپس فرآوری کنند یا جمع‌آوری شیرهای روزانه دامداران و انتقال به کارخانه‌های لبنی و بستنی، باعث شده برخی از مله‌ها و گله‌داران راغب به پرورش دام سنگین با شیر بیشتر شدند. از دیگر عامل ناپایداری واره به نسل جوان مربوط می‌شود که دختران جوان به علت ازدواج یا تحصیل به شهرها مهاجرت می‌کنند و تمایل کمتری به شرکت در واره را دارند.

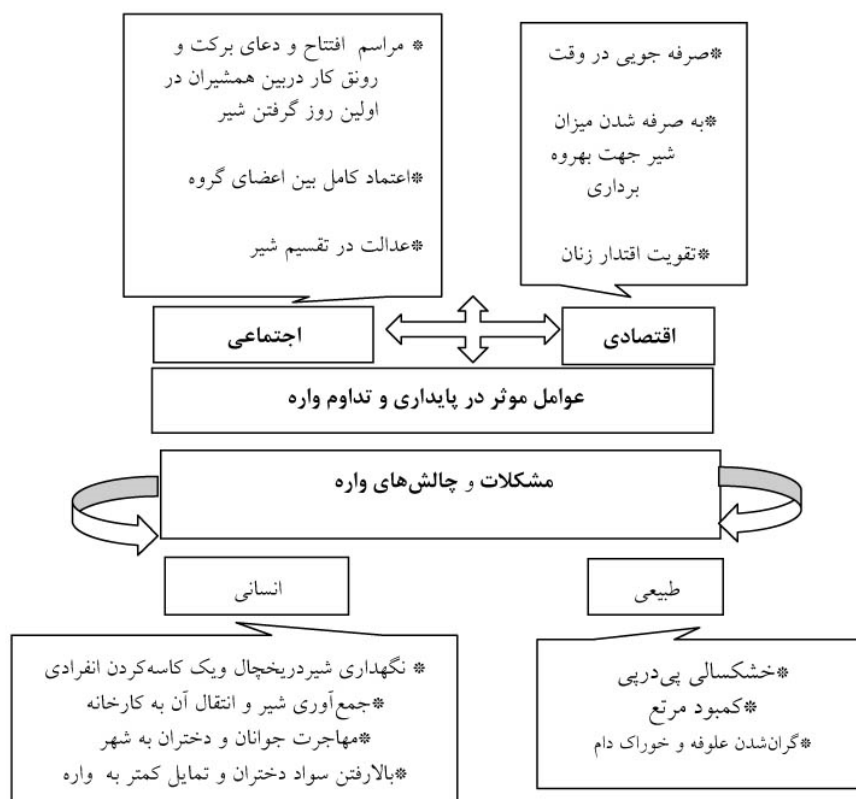
#### مدل نهایی

در این قسمت طبق روال نظریه‌بنیانی، به‌منظور الگوسازی مفهومی یافته‌ها به پیوند کدهای طبقاتی کلان تحت عنوان

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شهرستان رشتخوار از شهرستان جنوبی استان خراسان رضوی است که دارای محدودیت‌های طبیعی و کمبود آب و علوفه است و سال‌هاست که مردم این مناطق از جمله زنان جهت ماندگاری و پایداری معیشت خود تلاش کرده‌اند تا با این کمبودهای طبیعی دست‌وپنجه نرم کنند. از جمله راهکارهای فائق‌آمدن بر مشکلات طبیعی و مدیریتی در بین زنان روستایی منطقه، ایجاد گروه‌ها و نهادهای خودجوش و سنتی همچون «واره» است که با وجود برخی مشکلات هنوز کم و بیش کار کرد خود را حفظ کرده و موجب توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان دامدار روستایی شده است.

چه بسا سال‌ها از بین رفته بود. به‌طور کلی می‌توان گفت سازمان واره با اهداف اقتصادی (بهره‌برداری بهینه از فرآورده‌های لبنی و صرفه‌جویی در وقت) تشکیل شده است. باوجوداین، برخی مشکلات طبیعی و انسانی به‌عنوان زنگ خطری در سست‌شدن پیوند اعضا و کم‌رنگ‌شدن آن در نقاط روستایی خودنمایی می‌کند. خشکسالی‌های پی‌درپی و کمبود مرتع و کم‌جان‌شدن دامداری، ظهور تکنولوژی، مکانات نگهداری شیر در یخچال و ورود ماشین به روستاها و جمع‌آوری شیر و انتقال به کارخانه‌های لبنیاتی، از مواردی است که برخی واره‌ها را کم‌عضو و برخی را منحل کرده است.



شکل ۳. عوامل مؤثر در پایداری و چالش‌های سازمان سنتی واره در روستاهای مورد مطالعه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

در این سیستم زنان دامدار، با روی هم ریختن شیر دام‌های خود، حجم شیر تولیدی و محصولات برگرفته از شیر را افزایش می‌دهند. این امر به بهره‌وری اقتصادی، خودکفایی، امرار معاش، و اقتصاد پایدار دامداران خرد منجر می‌شود و علاوه بر جنبه های اقتصادی دارای آثار اجتماعی نیز بوده است که منجر به انسجام اجتماعی گردیده و باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی جامعه محلی می‌شود. چنان که در شکل ۳ مشخص است، اولین نقطه قوت این سازمان کهن، صرفه‌جویی در وقت و سودآوردن برای اعضا است که این شرایط به دنبالش حس اقتدار و استقلال مالی را برای زنان عضو به ارمغان آورده است؛ علاوه ملاحظاتی اخلاقی و اجتماعی، از جمله رعایت انصاف و عدالت اجتماعی را نه تنها در پیمایش و حساب‌رسی دقیق بدهی‌ها؛ بلکه در رعایت حال طبقات کم‌بضاعت جامعه نیز کاملاً آشکار است که موجب تداوم این سازمان گردیده است، علاوه بر مزایای اجتماعی و اقتصادی ملاحظاتی زیست‌محیطی این سازمان با توجه به جبر محیط و خشکسالی‌ها قابل توجه است؛ برداشت و چرا به گونه‌ای صورت گرفته که محیط شکننده مراتع تا این روزها دوام آورده است. این عوامل ماندگاری و این نظم با وجود قانون نانوشته می‌تواند چراغ راه سمن‌های رسمی و نوپا شود. با این وجود برخی مشکلات و خشکسالی‌های پی‌درپی زنگ خطری در نابودی این سازمان کهن زنانه شده است. بنابراین زنان روستاهای مورد مطالعه، برای مدیریت دام و فرآوری شیر، سازمان اجتماعی شیر واره را براساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند که نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران محسوب می‌شود و با عمل به شرایط اجتماعی (عدالت، انصاف و نظم در تقسیم و گردش شیر) و نهادینه کردن موارد فرهنگی (دعای خیر، برکت و مراسم شادباش) و همچنین سازگاری با محیط زیست و حفظ مراتع پابرجا مانده است. نتایج این تحقیق با پژوهش (راسخی و قربانی، ۱۳۹۳) همسویی دارد که زنان روستایی قصر یعقوب در شهرستان صفای استان فارس نیز بر

اساس عرف محلی خود و به منظور مدیریت شیر دام‌ها، تشکل یا نهاد اجتماعی «شیردان» را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند که برخاسته از دانش بومی منطقه است و نوعی سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود و نقش مهمی در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و پایداری مؤلفه‌های اقتصادی ساکنان منطقه ایفا می‌کند. همچنین، عواطفی همت و بازیگر (۱۳۹۶)، دهداری و همکاران (۱۳۹۶)، رحمانی آزاد و قربانی (۱۳۹۵)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۵) علی‌بابایی عمران و همکاران (۱۳۹۳)، قربانی (۱۳۹۱) و فرهادی (۱۳۸۲)، در تحقیقاتی جداگانه به بیان انواع دیگری از تعاونی سنتی واره و استفاده از این دانش بومی زنان روستایی پرداخته‌اند که تقریباً با نتایج این تحقیق همسویی دارد. در زمینه چرا و ملاحظات زیست محیطی نیز با پژوهش بارانی و همکاران (۱۳۸۲) شباهت دارد که چرای دام در طول بهار و تابستان نوعی سازگاری با شرایط طبیعی و در راستای استفاده بهینه از مراتع می‌دانند.

بر این اساس طبق نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد در توسعه و ایجاد سمن‌های روستایی از مشارکت زنان نیز هم‌پای مردان به صورت نظام‌مند استفاده شود و با فرهنگ‌سازی مشارکت در بین زنان همان‌گونه که در گروه‌های سنتی وجود دارد، نهادینه شود. زیرا وجود همیاری در بین زنان دامدار و شبکه اجتماعی آنان سبب نهادینه شدن و ابقای عرف‌ها و باورهای فرهنگی شده و در افزایش بهره‌وری اقتصادی موثر می‌باشد. در این راستا ضروری است دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و با تدوین برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی منظم و از طریق حمایت‌های مالی و تخصصی، موجبات رشد و توسعه واقعی سازمان‌های مردم‌نهاد سنتی و مدرن را فراهم آورد و بسترهای توسعه این سازمان‌ها فراهم سازد تا با واگذاری اختیارات بیشتر به روستاییان، از ظرفیت‌های آن‌ها در راستای توانمندسازی بیشتر استفاده شود. بدین ترتیب با حفظ و حراست از این سنت‌ها، به نقش دانش مردم بومی در برنامه‌ریزی‌های توسعه

روستایی توجه شده و با تلفیق با شیوه‌های نوین، تشکلهای و تعاونی‌هایی ایجاد می‌شود که به عنوان کاتالیزور، بتوانند

## منابع

تکنولوژی وارداتی را با شرایط محیطی و بومی و تجارب سنتی متناسب نموده و مورد بهره‌برداری پایدار قرار دهند.

بارانی، ح.، مهرابی، ع.ا.، مقدم، م.، فرهادی، م. ۱۳۸۲. بررسی الگوی مکانی و زمانی چرا در شرق البرز. مجله منابع طبیعی ایران، ۵۶(۲): ۱۱۷-۱۳۰

براری، م.، مطهری اصل، م.، و رضوی خراسانی، سید جمال. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم نهاد بر پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۳(۱): ۱۵۷-۱۸۰

بوزرجمهری، خ.، معصومی جشنی، م.، جهانتیغ، ح. ۱۳۹۵. نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در تولید و مدیریت فراورده‌های دامی (مطالعه موردی: روستای ابونصر، شهرستان بوانات)، فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال سوم، شماره ۶، ۸۹-۱۱۸.

حیدری، ن.، جمشیدی، م. ۱۳۹۵. نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی نژاد و روحانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۶): ۱۵۲-۱۲۵.

دهداری، س.، فرجی، م.، چراغیان، ع.، قربانی، م. ۱۳۹۶. بررسی دانش بومی زنان روستایی در تولید و مدیریت محصولات دامی-روستای امامزاده صالح کوتاه، نشریه علمی پژوهشی مرع، ۱۱(۳): ۳۲۰-۳۰۶.

راسخی، س.، قربانی، م.، مهرابی، ع.ا.، جوادی، س.ا. ۱۳۹۳. بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چرا کننده در مرتع (مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب، خرم‌بید، استان فارس)، نشریه مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۷(۲): ۲۳۲-۲۱۷.

رحمانی آزاد، ا. و قربانی، م. ۱۳۹۵. سنت‌های محلی و همیاری در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی چرا کننده از مرتع (نمونه‌ای از دانش بومی در روستای لزور)، نشریه علمی پژوهشی مرتع، ۱۰(۱): ۹۳-۸۲.

رستمی، ف. ۱۳۸۵. اهمیت دانش بومی با تأکید بر نقش زنان روستایی در کاربرد آن، ماهنامه پژوهش زنان، شماره ۱۷۰، ۵۷-۵۴.

رکن‌الدین افتخاری، ع.، بدری، ع. ۱۳۹۱. بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه‌ای روستای نمونه، انتشارات استانداری گیلان. زمانی پور، ا.، محمد قلی نیا، ج.، غوث، ک.، ۱۳۹۰. کاربرد دانش بومی در تولید محصولات دامی، مطالعه موردی ناحیه هردنگ، مطالعات فرهنگ اجتماعی خراسان، ۲۱(۲): ۷۴-۹۷.

سعیدی، م. ر. ۱۳۹۳. درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، انتشارات سمت.

شاه بهرامی، ف.، پیشگاهی فر، ز.، زال پور، ک. و بختیاری، ت. ۱۳۸۹. تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار، فصلنامه مدیریت انتظامی، ۵(۳): ۵۰۴-۵۱۸.

شکوری، ع. ۱۳۹۰. مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تأکید بر ایران)، تهران، انتشارات سمت.

شکوری، ع.، رفعت جاه، م.، جعفری، م. ۱۳۸۶. مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها، نشریه زن در توسعه و سیاست، ۵(۱): ۲۶-۱.

عباسی، ا. ۱۳۸۲. در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛ برنامه‌ریزی سیستمی، مسایل توسعه و دانش بومی یاریگری،



- فصلنامه انسان‌شناسی، ۱ (۴): ۲۵۵-۲۴۳.
- علی بیگی، ا.ح. و زرافشانی، ک. ۱۳۸۴. تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه اقتصادی، مطالعات زنان، ۵ (۱۴).
- علی شاهی، م. ۱۳۸۶. امنیت غذایی و اقتصادی کشور، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، صص ۲-۵.
- علی‌بابایی‌عمران، ا.، مروری مهاجر، م. ر.، قربانی، م. و عواطفی همت، م. ۱۳۹۳. اکولوژی فرهنگی؛ تحلیل دانش اکولوژیک بومی در مدیریت دام در دامداری متحرک (مطالعه موردی: گله‌های گوسفندی روستای کُدر در شمال کشور)، دومین همایش ملی دانشجویی علوم جنگل، انجمن علمی دانشجویی جنگلداری دانشگاه تهران.
- عواطفی ه.، م.، بازیگر، ا. ۱۳۹۶. دانش بومی زنان ایل پاپی شهرستان خرم‌آباد، نشریه علمی زن و فرهنگ، ۸ (۳۱): ۷۵-۸۹.
- فرهادی، م. ۱۳۷۹. نگاهی به انواع گله و شبان و یاریگری در چرانیدن دام چکنه (خرده مالکی) در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۵ (۳): ۱۳۵-۱۶۶.
- فرهادی، م. ۱۳۸۲. واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، نامه انسان‌شناسی، ۱ (۴): ۲۵۵-۲۴۳.
- فرهادی، م. ۱۳۸۷. گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۸ (۲): ۶۰-۱۳.
- فرهادی، م. ۱۳۸۷. واره؛ درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- قربانی، م. ۱۳۹۱. نقش شبکه‌های اجتماعی در مکانیزم‌های استفاده از مرتع (مطالعه موردی: منطقه طالقان)، پایان‌نامه دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ۱-۴۳۰.
- قشقایی، ف. ۱۳۷۸. نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره امور عمومی کشور، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- گلشن‌پژوه، م. ر. ۱۳۹۱. راهنمای سازمان‌های غیردولتی (با اصلاحات و اضافات)، انتشارات: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- یاسوری، مجید. ۱۳۹۰. نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در توانمندسازی زنان و جوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش)، فصلنامه چشم‌انداز (مطالعات انسانی)، ۶ (۱۷): ۴۴-۶۰.
- Al-Amin, M. Chowdhury, T. 2008. Women, Poverty and Empowerment: An Investigation into the Dark Side of Microfinance. *Asian Affairs*, 30(2): 16-29.
- Bouzarjomehri, Kh. Javani, Kh. 2020. The Role of Non-Governmental Organizations (NGOs) in Women's Empowerment and Environmental Protection in the Rural Areas (Case Study: Rural Areas of County Roshtkhar). *Journal of Research and Rural Planning*. 9 (2): Spring 2020, Serial No. 29.
- Erickson, J.I., Hamilton, G.A., Jones, D.E., & Ditomassi, M. 2003. Measuring the impact of collaborative governance: Beyond empowerment. *Journal of Nursing Administration*, 33(2): 96-104.
- Handy, F., & Meenaz, K. 2006. Practice What You Preach? The Role of Rural NGOs in Women's Empowerment, *Journal of Community Practice*, 14 (3): 69-91
- Islam, N., & Sultana, N. 2005. Role of NGOs in Empowering the Vulnerable women: a study on ACD, *Asian Affairs*, 27 (4): 24-40.
- Kazi, R. Muhammad, A. Mahmuda, Kh. 2017. Women's Empowerment through NGOs intervention A Socio-economic Assessment of Rural Area in Rangpur. *Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)* 22 (3): 25-39.
- Li, X. Gan, C. & Hu, B. 2011. The impacts of Micro-credit on Women's Empowerment: Evidence from china. *The journal of Chinese Economic and Business Studies*, 22 (3): 239-261.
- Mara, J. G., & Janis, L. 2015. Innovative Grassroots NGOS and the Complex Processes of Women's Empowerment: An Empirical Investigation from Northern Tanzania, *World Development*. 66: 762-

- Journal.
- Venise, B. & Salvatore, M. 2020. Building leadership capacity in women: an NGO in India's initiative towards women members of SHGs. *Journal Development in Practice*, Vol. 30 <https://doi.org/10.1080/09614524.2019.1701988>
- Kabeer, N. 2002. Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment, pp. 17-57, in: B. Sevefjord and B. Olsson (eds) *Discussing Women's Empowerment - Theory and Practice*. Sweden: Swedish International Development Agency.
- Hashemi, S, R.Schuler, S.,and Ann P.Riely. 1996. Rural Credit Programs and Women's Empowerment in Bangladesh, *World Development*, 24(4): 635-653.
- 777.
- Newaz, W. 2000. Impact of NGO Credit Programs on the Empowerment of Rural Women in Bangladesh: A Case of UTTARAN, Paper presented at the conference "The Third Sector: For what and for whom?" organized by the International Society for Third-sector Research in Dublin, Ireland July 5-8.
- Osterwalder, A. 2003. Sustainable Rural Development in Developing Countries, University of Lausanne.
- Ratinger, T. & Boskova, I. 2013. Strategies and effects of milk producers' organisations in the Czech Republic, *AGRIC. ECON. -CZECH*, 59 (3): 113- 1.
- Riaz, K. 2008. A Case Study of Milk Processing: The Idara-e-Kissan Cooperative, the *Lahore Journal of Economics*, 13 (1): 87- 128.
- Streeten .1997. Non-Government Organizations, JSTOR

---

---

## Investigating the Impact of the Traditional NGO "Vareh" on the Empowerment of Rural Women (Case study: Roshtkhar County), \*

Khadijeh Javani<sup>1</sup>, Khadijeh Buzarjomehr<sup>2\*</sup>, Hamid Shayan<sup>3</sup> and Maryam Ghasemi<sup>4</sup>

Submitted: 9 March 2021

Accepted: 13 June 2021

### Abstract

"Vareh" NGO is a long-standing spontaneity and has continued to function as a manifestation of the participation of rural women in empowering them for a long time. The main purpose of this study is to investigate the status of these cements, strengths and weaknesses and their impact on women's empowerment in rural areas of the central part of Roshtkhar County. The necessary information for the research was obtained through a semi-structured interview with a selected sample of semen groups and fixed members (n = 20) and was compiled using the conventional coding process based on the basic theory. The results showed that the creation and continuity in arid and desert areas of villages with the predominant livelihood of small and traditional livestock and has social functions such as establishing justice, fairness and order and congratulations and cultural relations between peers and economic effects such as; It has led to time savings, profitability, a sense of authority and financial independence, and empowered rural women. At the same time, this NGO also faces challenges such as successive droughts and forage problems, the possibility of storing milk in the refrigerator and the development of machines for collecting and transporting milk to the factory, in reducing the importance and function of "Vareh". Has been effective. The permanence of this veteran NGO and the success of the real participation of women in it can be systematically applied and institutionalized in a pattern in the newly established and formal NGO.

**Keywords:** Non-Governmental Organization (NGOs), Vareh, Basic Theory, Empowerment of Rural Women, Roshtkhar County.

---

1- PhD in Geography and Rural planning, Department of Geography , Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2- Associate Professor of Geography and Rural planning , Department of Geography , Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

3- Professor of Geography, Department of Geography , Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

4- Assistant Professor of Geography and Rural planning, Department of Geography Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

(\*- Corresponding author Email: azar@um.ac.ir)

DOI: 10.22048/rdsj.2021.276876.1923